



افتتاح به بار آوردن در مراسم اسکار سختی است!

برنامه‌ی تلویزیونی جوایز آکادمی به شدت طولانی بود. در اصل از زمان، عاقلانه استفاده نشد. حاضر جوابی ضعیف بود. مونتاژها و لحظه‌های خیلی زیادی بودند که در آن ستاره‌ها و میزبان همزمان گنجانده شده بودند و با این حال باز هم عالی به نظر می‌رسید. چرا؟ احتمالا برنامه‌ی تلویزیونی اسکار ماهیتا غیرقابل خراب شدن است. یک رویداد منفرد است که شامل ۳ ساعت برنامه‌ی زنده (اگر فرش قرمز را به حساب بیاوریم ۶ ساعت) است که به ما اجازه می‌دهد افراد مشهور را خارج از فیلم و فیلمنامه ببینیم. در حالی که لباس‌های پر زرق و برق به تن دارند و اشتباه می‌کنند (تلفظ اشتباه اسم «ایدینا منزل» توسط جان تراولتا). حتی وقتی که میزبان «الن دی جنرس» زمان نمایش را با سفارش دادن پیتزای پنیو کش می‌داد، یک حس طراوت بزرگ وجود داشت. اگر قرار بود نمایش باز هم طولانی‌تر شود، جالب بود که ببینیم امثال «لوپیتا نیونگو» و برادرش آن اطراف می‌گشتند و در خوردن پیتزا با «دی جنرس» سهیم می‌شدند.

به نظر می‌رسد که نقطه‌ی اوج احساسی این برنامه، جشن سالگرد ۷۵ سالگی «جادوگر شهر از»، افسانه‌ی مورد علاقه‌ی همه، سرزمینی جادویی و پر از لباس‌های پر زرق و برق بود. این قطعه توسط «ووبی گلد برگ» یکی از هنرمندان انگشت‌شمار آفریقایی آمریکایی که برنده‌ی جایزه‌ی اسکار است، معرفی شد و «اما واتسون» بازیگر انگلیسی که در فیلم تخیلی هری پاتر ایفای نقش می‌کرد، فیلم را بیشتر توصیف کرد. کلیپ‌های فیلم ذاتا قدرتمند بودند که نه تنها از لحاظ صوتی بلکه مانند رنگین کمان طلسم را شکستند. این یک برنامه‌ی تلویزیونی پر احساس و غیرمنتظره بود، همه چیز در نظر گرفته شده بود.

پیتزاها یکی که میان ستاره‌ها پخش شد باعث شهرت پسر پیتزا فروش و جمع شدن هزار دلار انعام برای او شد



این سلفی ستارگان رکورد باز دید از توئیتر را شکست و باعث شد آکادمی از سایت توئیتر عذر خواهی کند

دی‌کاپریو با هم به اسکار نرسید و رقیبش را اینچنین در آغوش گرفت

در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد که جایزه‌ی اسکار به طور فزاینده‌ای به یک پلتفرم بازاریابی تبدیل شده است، شاید حتی نزدیک شدن به بزرگ‌ترین روز تبلیغات، میزبان مراسم اسکار، «الن دی جنرس» با استفاده از گوشی‌های هوشمند گلکسی سامسونگ از خود یک عکس گرفت و آن را به توئیتر خود ارسال کرد. این عکس به سرعت رتوییت شدن را شکست و تبلیغات قابل توجهی را برای شرکت سامسونگ انجام داد. این که خانم «دی جنرس» از گوشی سامسونگ، اسپانسر اصلی جوایز اسکار، برای گرفتن عکس از خود استفاده کرد، دور از توجه نماند. این شرکت همچنین بیش از ۵۰ دقیقه از وقت تبلیغات در طول اجرای مراسم را به تبلیغ تلویزیون و گوشی‌های هوشمند خود اختصاص داد. ادغام قابل توجه گلکسی نوت ۳ سامسونگ در طول برنامه به خودی خود

مراسم اسکار به عنوان یک برنامه‌ی تلویزیونی تلاش خود را برای برگزاری این مراسم به بهترین نحو ممکن کرده است حتی پس از اجرای غیراستانداردهی «جیمز فرانکو» و «آنه هاتوی» در سال ۲۰۱۱. پس از آن، به سراغ گزینه‌ی مطمئن خود یعنی «بیلی کریستال» رفتند که دقیقا همان کاری را که همیشه انجام می‌دهد، انجام داد. سپس برگزار کنندگان اسکار خواستند از راه دیگر وارد شوند تا کمی جذاب‌تر جلوه کنند در نتیجه به سراغ «ست مک فارلین» رفتند که اجرای مبتذل و نفرت‌انگیزی را ارائه داد. بنابراین امسال آنها دوباره به دنبال «الن دی جنرس» آمدند؛ کسی که در سال ۲۰۰۷ میزبانی مراسم اسکار را به عهده داشت. این حقیقت و نکته‌ی جالبی است که چرا او همیشه میزبان مراسم اسکار نمی‌شود زیرا آنها از زنی که کت و شلوار می‌پوشد و پول زیادی به دست می‌آورد، می‌ترسند. «دی جنرس» اجرای اش را با یک تک‌گویی شروع کرد که بیش از حد نسبت به شیوه‌ی او تند و تیز بود. زمان طولانی و کسل‌کننده‌ای را به پیر شدن «جون اسکونوب» «بار خاد عبیدی» سومالیایی و «لیزا مینلی» که او را آقا خطاب می‌کند، اختصاص داد. کمی عجیب بود. مراسم امسال اسکار، واقعا سرگرم‌کننده نبود. «دی جنرس» با شوخی‌ها و جوک‌های بی‌پایانش تا سفارش دادن پیتزا روی صحنه، همه‌ی تلاش خود را کرد اما موثر واقع نشد. اولین برنده‌ی این مراسم، «جارد لنتو» برای بازیگر مکمل مرد در فیلم «خریداران باشگاه دالاس» بود که یک سخنرانی واقعا طولانی ارائه داد و در آن به او کراپ و گروه موسیقی خود و یکسری مسائل دیگر اشاره کرد. اما «لوپیتا نیونگو» که راه خود را در این فصل از جوایز در هالیوود باز کرد، یک سخنرانی کاملا دوست‌داشتنی به هنگام پذیرش جایزه‌ی اسکار برای بهترین بازیگر نقش مکمل زن در فیلم «۱۲ سال بردگی» ارائه کرد. «نیونگو» درباره‌ی خانواده و تحصیلاتش صحبت کرد و گفت: «وقتی که من به این تندیس طلا نگاه می‌کنم، خود و همه‌ی کودکان را به یاد می‌آورم، مهم نیست که کجای دنیا باشید، روایتان تحقق پیدا می‌کند.» «کیت بلاتش» برنده‌ی جایزه‌ی اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن در فیلم «یاسمین آبی» وقتی را برای صحبت‌های هالیوودی از قبیل رفتار فیلم‌ها با زن‌ها به عنوان عکس روی طاقچه و از این قبیل تلف کرد در حالی که «متیو مک کانوی» برنده‌ی بهترین بازیگر نقش اول مرد در فیلم «باشگاه هواداران دالاس» در سخنرانی‌اش به ستایش خدا و خودش تاکید کرد. او امسال در کارهای زیادی ایفای نقش کرد مانند «گل»، «گرگ وال استریت» و همچنین در سال آتی نقش‌هایی را در فیلم‌های «برنی»، «سحر» و «مایک جادویی» بازی می‌کند. به عنوان بازیگری با صفات خوب اخلاقی، شخصیتش به هنگام دریافت جایزه‌ی اسکار به تامل بیشتری نیاز دارد، او با تکبر زیادش نظر سایرین را نسبت به خوش ذاتی خود تغییر داد. همانطور برای دیگر نامزد‌های بهترین فیلم، فیلم «جاذبه» هیچ جایزه‌ای را در زمینه‌ی بازیگری دریافت نکرد، و فیلمنامه‌اش نیز نامزد دریافت جایزه نشده بود اما جایزه‌ی صدارت‌داری، تدوین، جلوه‌های ویژه و فیلمبرداری و مهم‌تر از همه، جایزه‌ی بهترین کارگردانی برای «الفونسو کوارون» - ظاهرا اولین کارگردان لاتینی که برنده‌ی این جایزه شده است - را به ارمان آوید. به علاوه بهترین فیلم، «۱۲ سال بردگی» جایزه‌ی بهترین فیلمنامه‌ی اقتباسی را نیز برای «جان ریڈلی»، مفسر NPR به ارمان آوید. بهترین فیلمنامه‌ی اصلی به «اسپایک جونز» برای فیلم «او» تعلق گرفت اما «خاوین فونیکس» برای این فیلم کاندیدای دریافت جایزه‌ی بازیگری نشد. بزرگ‌ترین ناامیدی ممکن است در گروه تولید فیلم «کلادواری آمریکایی» باشد که با ۱۰ نامزدی در این رویداد شرکت کرد و هیچ جایزه‌ای نصیب نشد. مراسم اسکار احتمالا هیچگاه یک نمایش رضایت‌بخش نمی‌شود. تنها، فرصتی است برای دیدن بعضی بازیگران و فیلمسازان خوب و بار دیگر معرفی فیلم‌های نامزد شده که به هیچ وجه نماینده‌ی کاملی از دنیای فیلمسازی نیستند.

هشتاد و ششمین مراسم اسکار هفته‌ی گذشته بالاخره برگزار شد و البته یکی از قابل پیش‌بینی‌ترین اسکارها بود. این جشن بزرگ مثل هر سال با حضور ستاره‌های سینما و بزرگان این صنعت در حالی برگزار شد که حواشی بسیاری به همراه داشت. از اعتراضات به کارگردانی بی‌حال مراسم گرفته تا مورد استقبال قرار گرفتن اجرای «الن دی جنرس» «مجری اسکار» در ادامه می‌توانید با حواشی اسکار بعد از پایان آن، بیشتر همراه باشید.

جامعه‌شناسان چه می‌گویند؟
درام‌ها ۹ برابر بیشتر شانس دارند

اگر اسکار امسال به نظر تان خسته‌کننده و قابل پیش‌بینی بود، پس اوضاع تان خیلی خوب است. از نظر جامعه‌شناسان خیلی سال است که برندگان جوایز اسکار قابل پیش‌بینی هستند. «گابریل رزم» یک جامعه‌شناس دانشگاه UCLA با چند مورد از جالب‌ترین تحقیقات در خصوص تفاوت اقتصاد و فرهنگ پاپ، دو مقاله‌ی جالب درباره‌ی اسکار نوشته و در آنها ابتدا به این پرسش وسوسه‌انگیز پاسخ داده است: چه ویژگی‌هایی از یک فیلم، ما را به حدس درست نامزد جایزه‌ی اسکار نزدیک می‌کند؟ جای تعجب نیست که بزرگ‌ترین اتفاق نظر برای کاندیدای اسکار روی فیلم‌های خیلی جدی است. با توجه به ۱۷۲ هزار اجرائی که در IMDB در بین ۲۰ هزار فیلم ذکر شده‌اند، «رزم» و همکار او «نیکل اسپارزا» احتمال نامزد شدن فیلم‌های درام را ۹ برابر فیلم‌های دیگر می‌دانند. دومین و سومین حدس ممکن به اندازه‌ی رقابت بستگی دارد. هنگامی که فیلم‌های کمتری در نزدیکی فصل جوایز تولید شوند، شانس اینکه هر فیلم نامزد شود افزایش می‌یابد. این اصل ساده متأسفانه برای بازیگران زن هم صدق می‌کند. این یک واقعیت صنعتی است؛ زنانی که نقش‌های مغزدار و اساسی کمتری بازی می‌کنند، به احتمال زیاد نامزد جایزه‌ی اسکار می‌شوند. به این معنی که هر اجرای دراماتیک یک بازیگر زن، شانس بیشتری برای نامزد اسکار شدن دارد.

شاید سلسله‌ی ترین یافته‌ی این مقاله، آن باشد که مردی بالاترین رتبه‌بندی در فیلم‌های گذشته‌شان در IMDB شانس بیشتری برای کار با ستارگان دیگر و دو برابر شدن شانس خود برای نامزدی اسکار دارند. «رزم» به «بیلی براین» می‌گوید: «بازیگران وقتی با آدم‌های با استعداد کار می‌کنند، خوب به نظر می‌رسند خیلی جالب است وقتی افراد توانا و با استعداد با هم کار می‌کنند خیلی بهتر از زمانی که به تنهایی کار می‌کنند، به نظر می‌رسند.»

شاید به نظر شما خیلی عجیب باشد که بازیگران بهتر، نقش‌های بهتر را می‌گیرند و سپس با کارگردانان بهتر کار می‌کنند (سلام، لئوناردو دی کاپریو). همچنین یک مثال کلاسیک وجود دارد که جامعه‌شناسان به آن استفاده‌ی جمعی یا «ثر متیو» می‌گویند که بعد از سوره‌ای در انجیل «متی» نامگذاری شده است جایی که حضرت عیسی مسیح (ع) می‌گوید: «به کسی که دارد با هم داده می‌شود، تا آنچه دارد زیاد شود.» این اثر به این سادگی نیست که ثروتمندان، غنی‌تر می‌شوند. این ایده‌ی است که افراد با استعدادتر به کیفیت بالاتر پشتیبانی از توانایی‌هایشان می‌رسند و تا حد زیادی از مزایای ویژگی ذاتی خود بهره‌مند می‌شوند. (برای مثال دانش آموزان باهوش به کالج‌هایی با اساتید بهتری می‌روند و از موقعیت‌های کاری بهتری برخوردار خواهند شد.)

واقعیت این است فیلم‌هایی که در آنها ستاره‌ها ایفای نقش می‌کنند، توجه بیشتری را در اسکار به خود جلب می‌کنند و اما به این معنا نیست که ستارگان هالیوود بهتر از بازیگران ناشناس هستند. احتمالا بیشتر نشانه‌ی است که مادر انتخاب ستاره‌ها بدسلیمانه عمل می‌کنند. این به ما نشان می‌دهد که حداقل آکادمی نیز به همان اندازه در شناخت استعداد شایسته‌ی دریافت جایزه‌ی اسکار بدون داشتن پیشینه‌ی در این مسابقه، خوب عمل نمی‌کند. در هر دو مورد، این زمینه‌ی توانایی ما را برای شناختن موفقیت‌های فردی پامال می‌کند.

دومین مقاله‌ی اسکار «رزم» درباره‌ی جوایز و مخاطبان است. بعضی از تهیه‌کنندگان واقعا می‌خواهند که اسکار را از آن خود کنند. این تهیه‌کنندگان، به احتمال قوی می‌خواهند پول هم به دست آورند. مشکل این است که تماشاگران بیشتر فیلم‌هایی را که «برنده‌ی جایزه‌ی اسکار» می‌شوند دوست ندارند. به عنوان مثال فیلم‌هایی در اواخر امسال با موضوعات جدی مانند ایدز، برده‌داری و فن آوری تولید شدند. بنابراین تجارت ساخت یک فیلم برنده‌ی جایزه‌ی اسکار، ریسک بزرگی است.

«رزم» آن را به خوبی توضیح می‌دهد: «به نظر می‌رسد مخاطبان، فیلم‌هایی که تلاش می‌کنند نامزد جایزه‌ی اسکار شوند را دوست ندارند اما علاقه‌ی زیادی به فیلم‌هایی که خود به خود نامزد دریافت این جایزه می‌شوند، دارند. در نتیجه، اگر هیچ مراسم اسکاری وجود نداشته باشد که آنها را به «باکس آفیس» ببرد، فیلم‌های کمتری در مورد شخصیت‌های تاریخی و غلبه بر ظلم و ستم ساخته خواهد شد. به نظر می‌رسد هالیوود اساسا تولیدکنندگان را به ساخت تعداد دقیقی از فیلم‌هایی سوق می‌دهد که هدف اسکار را دنبال می‌کنند تا این دو اثر به طور متوسط به تعادل برسند.»

برنده‌ی بهترین فیلم، یک افزایش ۲۲ درصدی را بعد از نامزد شدن اسکار و سایر برندگان، یک افزایش ۱۵ درصدی را در باکس آفیس شاهد هستند محاسبات مالی بهترین دلیل برای ساختن فیلم برنده‌ی اسکار است. برای بردن باید یک فیلم صنعتی ساخته شود و باید به ستارگان دست‌رسی داشت که درآمدهای خیلی زیادی دارند، شاید فقط افتخار ساخت یک فیلم واقعا خوب نصیب آنها شود.



در حاشیه‌ی اسکاری دیگر

پیتزا، توئیتر و دی‌کاپریو ناکام



ملینا حاجبی